

حجت الاسلام عبدالملکی: داعش و وهابیت سعودی کنونی، محمد بن عبدالوهاب را امام و مجدد اسلام می‌دانند، خودشان را امتداد محمد بن عبدالوهاب معرفی می‌کنند. تا این جای کار مسلم است. داعش می‌گوید: «ینسبون انفسهم زورا للامام محمد بن عبدالوهاب» این مفتی‌های درباری وهابیت اینها ادعایشان دروغ و باطل است، اینها از مرام و منهج محمد بن عبدالوهاب فاصله گرفته‌اند، ما وارثان اولین دولت وهابیت هستیم، نه مفتی‌های سعودی. مفتی‌های سعودی هم همین حرف را درباره داعش گفته‌اند و داعش را به دور از محمد بن عبدالوهاب دانسته و تکفیری و خوارج معرفی کرده‌اند، جالب است که بدانید داعش در مقابل رديه‌های شیوخ و مفتی‌های وهابی سعودی بیکار ننشست. آنها جزوه‌ای با نام «الشیخ البغدادی علی خطی الإمام محمد بن عبدالوهاب التثابه بین الدولتین: محمد بن عبدالوهاب و أبو بکر البغدادی» منتشر کردند، در این جزوه خواستند با استناد تاریخ ابن غنم ابن بشر و دیگر مصادر مورد قبول دو طرف ثابت کنند ابوبکر بغدادی و دولت نوپایش، مساوی و همسان با محمد بن عبدالوهاب و دولتش است. بنابراین ما شاهد رقابت دو گروه مفتی‌های سعودی و داعش برای مصادره محمد بن عبدالوهاب هستیم، اگر غیر از این می‌شد جای تعجب داشت، داعش بی‌آبرو شده و قابل دفاع نیست، افکار عمومی از فکرو عمل داعش منزجر و متنفر است، وهابیت سعودی هم برای حفظ آبرو به دنبال راه فرار و تبرئه و تظہیر خود از داعش می‌رود و می‌خواهند فاصله‌سازی کنند، مثلاً سعی می‌کنند تفاوت تکفیر مطلق و معین، و موانع تکفیر معین را برجسته کنند و داعش را به دلیل نادیده گرفتن موانع و تسرع در تکفیر معین، خوارج و بغاة بخوانند، درحالی‌که اساساً مگر دعوا بر سر موانع تکفیر بوده که این‌گونه حل شود؟! دعوا بر سر مقتضی کفر است، ما می‌گوییم اساساً آنچه که شما به عنوان سبب و مقتضی کفر و شرک از آن یاد می‌کنید، (فارغ از آنکه مرتکبش از سر جهل، اکراه، خطا، تأویل آن را انجام داده باشد یا نه؟) بر اساس آیات محکمت قرآن، مقتضی کفر نیست، اصلاً نوبت به موانع تکفیر نمی‌رسد. مشکل ما با نواقض الاسلام محمد بن عبدالوهاب همراه است، ما کاری به موانع تطبیق این نواقض بر افراد نداریم، وهابیت سعودی و داعش هیچ‌گونه اختلافی بر سر نواقض الاسلام محمد بن عبدالوهاب ندارند. این برای ما مهم و کلیدی است و نباید از آن دور شویم. متأسفانه برخی گرفتار کیدهای وهابیت سعودی امروزی شده و دروغ‌های آنان را باور کرده‌اند. عالمان و اندیشمندان اهل سنت هم این خدعه‌های وهابیت را باور نکرده‌اند، یکی از علمای ساکن مکه به طور واضح و معین بر کتاب الدرر السنیه که سخنان شیوخ وهابی نجد را جمع‌آوری کرده، اعتراض می‌کند، می‌گوید این کتاب منشور فکری و مانیفست گروه‌های تکفیری است تا زمانی که این کتاب مورد تأیید و حمایت وهابیت سعودی باشد، هرگونه رديه نویسی و مخالفت وهابی‌های سعودی با داعش، نفاق و بازیگری است. به عنوان مثال گفته است: «إنما نخص (الدرر السنیه) لأنها هی مستند التکفیر بین المعاصرین... فب (الدرر السنیه) الیوم تُسْفک دماء المسلمین من المسلمین، ولیس بتقریرات غیرکم. فلا تُسْفک الدماء عند هذه الجماعات الیوم بتقریرات المعتزلة، ولا بتقریرات الأشعرية، ولا بتقریرات الصوفية، وإنما تُسْفک بتقریرات (الدرر السنیه)» امروزه خون مردم مسلمان بیگناه با استناد به سخنان شیوخ نجدی در کتاب درر السنیه ریخته می‌شود، نه با کتابهای اشاعره و معتزله و صوفیه.

حالا با توجه به این مطالب، به عنوان یک ناظر بیرونی باید گفت نظر صحیح آن است آنچه سبب تکفیری بودن محمد بن عبدالوهاب شده بود، همان تفسیر او از مفاهیم و مسائل توحید ربوبی والهوی است. این تفسیر میان دو گروه داعش و وهابیان سعودی تبار امروزی مشترک است.

[۳]. گرچه برخی از وهابیان صریحاً بزرگان اشاعره و ماتریدیه و اهل تصوف را در ربوبیت والوہیت مشرک خوانده‌اند، لکن دسته‌ای از وهابیان سعی بر پنهان کردن عقاید خود داشته و تظہری می‌کنند که اسلام اشاعره و ماتریدیه و اهل تصوف را قبول دارند. آنها ترفندهای مختلفی برای فرار از تکفیر دارند، گاهی متظاهراً تکفیر اشاعره و ماتریدیه را کتمان کرده و سطح نزاع خود با اشاعره و ماتریدیه را از تکفیر به تبدیع تقلیل داده‌اند، گاهی سعی می‌کنند تکفیر را به دو حوزه تکفیر نظری و تکفیر عملی همراه با خشونت تقسیم کنند، سپس تکفیر ناپسند را در تکفیر عملی محصور کنند، گاهی سعی می‌کنند از ترفند تقسیم تکفیر به مطلق و معین استفاده کنند و تکفیر ناپسند را در تکفیر معین خلاصه کنند. حقیقت آن است میان وهابیت و به تبع آن داعش یا اشاعره، ماتریدیه و بیروان مذاہب فقهی شافعی، حنفی، حنبلی، مالکی شکافی عمیق وجود دارد، این شکاف برآمده از خوانش خاص وهابیت و داعش از مسائل توحید ربوبی والهوی است، وهابیت و داعش تفسیر تمامی گروه‌های نامبرده را مردود و ضد اسلام می‌پندارد. در طول سه قرن گذشته، هرگاه وهابیان قدرت یافته‌اند مدارس فکری اشاعره و ماتریدیه را تعطیل کرده‌اند، به جای آن مدارس وهابیت را برپا کرده‌اند و اصلی‌ترین دروس مدارس وهابیت همان کتاب‌های محمد بن عبدالوهاب، مانند کتاب التوحید، کتاب کشف الشبهات و تدریس کرده‌اند. این اتفاق در مناطق تحت اشغال داعش هم افتاد.

[۴]. وهابیت اسلام حکمی و ظاهری مصطلح در فقه را دارد.

[۵] کافی است به صفحه ۴ از شماره ۳۰۹ مجله انبا نگاهی بیندازید تا متوجه صحت این مطلب بشوید.

[۶]. مجله الصمود یکی از مجلات رسمی طالبان است.

